



PDF تیارلان: آی-کتاب
ay-kitap.com



پیدایش خلق ترکمن

انتشارات:

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

۱۳۶۴



۳ پیشگفتار
۴ توضیحی چند درباره طوایف ، قبایل ، اقوام
۶ نیاکان ترکمن ها
۹ سلجوقها
 آغا زپروسه تکامل قوم ترکمن
۱۲ پیدایش نام ترکمن ها
۱۶ تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن
۲۵ پیدایش ملت سوسیالیستی ترکمن
۲۳ پروسه شکل گیری ملت ترکمن در ایران

پیشگفتار

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در تعقیب یکی از اهداف خود مبنی بر تحقیق و بررسی پیرامون تاریخ و فرهنگ خلق ترکمن مطلب زیر را ترجمه و تنظیم نموده و در اختیار خوانندگان و علاقمندان قرار میدهد.

در نوشته حاضر به تاریخ پیدایش ترکمنها، اینکه آنها از کدام قبایل، طوایف و اقوام بوده‌اند، در چه شرایطی و در چه زمانی و در کدامی زیسته‌اند. روابط اقتصادی - اجتماعی آنها با سایر اقوام و ملت‌ها چگونه بوده. وجه تأثیراتی بر تاریخ تکامل آنان برجای گذارده. قوم ترکمن در چه زمانی شکل گرفته است و در پروسه رشد خود چگونه به ملت ترکمن تبدیل گردیده، پرداخته شده است.

در این مطلب همچنین به شکل‌گیری و پیدایش اقوام ترکمن در دورانهای آغازین پروسه فوق توجه بیشتری شده است. اما ضروری است قبل از آغاز سخن پیرامون ترکمنها، مختصراً و بطور عام درباره طوایف، اقوام و ملت‌ها مطالبی مورد تأکید قرار گیرد و این امر که طوایف و اقوام و ملت‌ها در چه شرایطی بوجود آمدند و پروسه تکامل آنها چگونه بوده، مورد بررسی قرار گیرد.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

توضیحی چند درباره طوایف، قبایل و اقوام

هزاران سال پیش، آنگاه که انسانها در حالتی نیمه وحشی می زیستند، هنوز شهر، دولت و ملتی وجود نداشت، طوایف و اقوام رفته رفته شکل گرفتند.

طایفه، بمثابه نخستین شکل تجمع انسانی، بر مبنای پیوندهای خونی استوار بود و افراد کمی (از چندده تا چندصد نفر) را در خود متحد می ساخت. مالکیت در طایفه مالکیت جمعی بود. مردان به شکار می پرداختند و زنان دانه های غذایی، گرد و وقارچ جمع می کردند و اقتصاد خانوادگی را اداره می نمودند. در این دوره از آنجا که مطمئن ترین راه شناخت خویشاوندی از طریق مادر بود و همچنین زنان در اقتصاد خانواده نقش برجسته ای ایفا می کردند، موقعیت زن بالاتر از موقعیت مرد بود. مقررات طایفه ازدواج مردان با دختران طایفه را ممنوع می ساخت، به همین سبب مردان یک طایفه با دختران طوایف همجو را ازدواج نموده، یا زن خود را به طایفه خویش می آوردند و یا خود به طایفه والدین همسر خود می پیوستند از طریق اینگونه روابط چند طایفه که به یک زبان سخن می گفتند بهم پیوسته و قبیله را بوجود می آوردند.

شکل تجمع قبیله ای - طایفه ای حتی پس از رام کردن حیوانات و فراگیری شیوه های بهره برداری از زمین و گذار به دامداری و کشاورزی نیز در میان انسانها حفظ گردید. در برخی از عقب مانده ترین نواحی کره زمین (در کوچه های جزیره ایران، بعضی مناطق افریقای مرکزی و جنگلهای آمریکای جنوبی) حتی تا همین اواخر نیز اشکال طایفه ای- قبیله ای وجود داشت. مضاف بر آن بقایای چنین ساختاری در بین بسیاری از خلقها، از جمله خلق ترکمن هنوز نیز حفظ می گردد.

با گذشت زمان انسانها از وضعیت زندگی نخستین خارج شدند و پیوندهای اقتصادی و اجتماعی آنان بطرز چشمگیری گسترش یافت. کشاورزان ساکن جلگه های کناره رودخانه ها با ایجاد شبکه های آبیاری پیچیده و احداث کانالهای بزرگ به ایجاد شهرها پرداختند. دامداران نیز به همراه دامهای خود به مناطق دوردست، گاهی تا فاصله

صدها کیلو متر کوچ می نمودند و میزان داد و ستد با طوایف مجاور گسترش می یافت. در چنین زمینه ای شکل نوین تجمع انسانی یعنی اقوام پدید آمد. در ترکیب اقوام، دهها قبیله و گاهی قبایل منسوب به نژادهای مختلف وارد می شدند.

— اقوام طی دو فرمسیون بزرگ تاریخی یعنی دورانهای برده داری و فئودالیزم دوام یافتند. قدیمی ترین اقوام حدود ۴-۵ هزار سال پیش بوجود آمدند. در طی مدت زمان طولانی که از آن روزگار سپری شده است، اقوام بدون تغییر نمانده اند، برخی اقوام کوچک بهم آمیخته و پاره های دیگر از هم پاشیده و اقوام جدیدی پدید آورده اند.

بعدها، هنگامی که نظام سرمایه داری بتدریج جایگزین فئودالیزم گشت، تجارت و صنعت رشد سریع خود را آغاز نمود و روابط اقتصادی میان انسانها تحکیم یافت، پروسه تبدیل اقوام رشد یافته و تکامل به "ملتها" آغاز گردید. ملت، شکلی از تجمع افراد است که وجه مشخصه آن عبارتست از بهم پیوستگی و وحدت اقتصادی، اشتراک سرزمین، اشتراک زبان و اشتراک فرهنگ معنوی و خصوصیات روانی. ملت با استحکام خود از نظر سرزمین، زبان و فرهنگ و قبل از همه پیوستگی روابط اقتصادی از قوم متمایز می گردد.

ملتها ۶۰۰-۵۰۰ سال قبل در سرزمینهای رشد یافته اروپای غربی که گام در راه رشد سرمایه داری نهاده بودند شروع به پیدایی نمودند. به موازات شکوفایی سرمایه داری ملت ها در نقاط دیگر جهان نیز پدید گرفتند. ملت (ملت بورژوایی)، طبقات متخاصم، اعم از سرمایه داران و کارگران و فئودالها و دهقانان را در بر می گرفت. مبارزه لایق قطع میان ثروتمندان و تهیدستان میان استثمارگران و استثمار شوندهگان ملت های بورژوایی را می ساید و از توان می اندازد. با پیدایش نظام سوسیالیستی ملت های نوع جدید، ملت سوسیالیستی پدید آمدند، ملت سوسیالیستی از آنجا که از طبقات و اقشار غیر متخاصم یعنی کارگران، دهقانان و روشنفکران خلقی تشکیل یافته اند از ملل بورژوایی متمایز می گردند. بهمین سبب تضاد آشتی ناپذیر طبقاتی در میان ملل سوسیالیستی وجود ندارد و به این لحاظ روابط درونی آنها بسیار مستحکمتر از ملل بورژوایی است. برای نخستین بار ملل سوسیالیستی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اواسط سالهای ۳۰ بوجود آمدند.^(۱)

ملل سوسیالیستی در شرایطی دموکراتیک، در شرایط همیاری متقابل رشد می یابند. بهمین سبب حس انترناسیونالیسم پرولتری احترام به خلقهای دیگر از صفات ذاتی این ملتهاست. هر ملت سوسیالیستی جهت شکوفایی اقتصادیات خود و رشد و نیرومندی دولت تمدن و فرهنگ ملی خویش از امکانات لازم برخوردار است. در عین حال هر کدام از آنها به موازات کسب پیروزی های اقتصادی و فرهنگی همدیگر را غنی تر ساخته و بتدریج بهم نزدیک می شوند. رشد ملت های سوسیالیستی حتی در دوران کمونیسم مدتهای مدیدی

ادامه خواهد داشت. در عین حال روند نزدیکی ملل به یکدیگر نیز رفته رفته شتاب بیشتری خواهد گرفت و هر ملتی - حتی کوچکترین آنها - سهم خویش را به اقتصاد و تمدن جهانی خواهد افزود.

۱ - طبقات استثنای رگدز اتحاد شوروی نه در سال ۱۹۱۷، بلکه در اواسط سالهای ۳۰ از میان رفتند. به معنای دیگر در فاصله ۱۹۱۷ تا اواسط دهه ۳۰ حزب کمونیست و مردم شوروی در جریان نابودی طبقات استثنای رگدز بودند و این پروسه در اواسط سالهای ۱۹۳۰ خاتمه یافت.

نیاکان ترکمن‌ها

در محدوده‌ای که هم اکنون ترکمن‌ها سکونت دارند، (۱) در روزگار آن کهن - دهها و صدها هزار سال قبل - نیز انسان‌ها می زیستند. سواحل بحر خزر، کناره‌های بخش سفلی رودخانه جیحون و مسیر رودخانه "اوزبوی" زیستگاه طوایف ماهیگیر بود و طوایف شکارچی در کوهستانها و دشتها اسکان گزیده بودند. نه ماهیگیران و نه صیادان قادر به ساختن خانه و استفاده از فلزات نبوده‌اند. آنان در غارها و "چاتما" ها (نوعی کلبه) زندگی می کردند و ابزار مورد استفاده آنها را تیر و کمان‌هایی با پیکانهای سنگی، تیرها و کاردهای سنگین و چوبهای دستی ساخته شده تشکیل می داد.

قریب ۸-۹ هزار سال پیش، نخستین روستاهای کشاورزان در نواحی "آخال" و "اتک" پدید آمد. روستا نشینان در خانه‌های بزرگ - که با خشت خام بنا شده بود - می زیستند. در هر خانه، خانواده‌ای بزرگ و یا حتی تمام افراد یک قبیله سکونت داشت و آنان در اراضی مرطوب و با تلاقی که از آب چشمه‌ها و جویبارها بوجود آمده بود، جو کاشته و گشت خود را با داسهای سنگی درومی کردند. به جهت عدم وجود آسیاب زنان دانه‌ها را با سنگ کوبیده آرد می کردند و نیز ظروف خود را از گیل رس ساخته، با رنگ قهوه‌ای رنگ آمیزی می کرده‌اند. انسانها ۷-۶ هزار سال قبل، نخست بز و سگ و سپس گوسفند، خوک، گاو، اسب و شتر را رام کردند. جهت آبیاری مزارع خود بتدریج به کندن جوی‌ها پرداختند، خیش ساختند و طرز استفاده از آن را آموختند. ذوب فلزات ساختن ابزار، اسلحه و اشیای زینتی را بتدریج یاد گرفتند. بدین ترتیب روستاها گسترش یافت و بزرگ‌ترین آنها با کشیده شدن حصار بر پیرامونشان خصوصیات شهرهای کوچک را بخود گرفتند. روستاهای "پارسی تپه" دریا با عرب، "ایکی تپه" در حومه "انو" "نامازغاتپه" "در حومه" "گاکا" "یاسی تپه" در جنوب رود ترک "دوشاق" "التین تپه"

ویلیغن تپه در حومه "معنه چای" و... محل استقرار چینی-روستاهایی بوده اند که هنوز نیز پابرجا هستند.

حدود چهار هزار سال قبل، طوایف صحرانشین از شکار به دامداری روی آوردند. افزایش تدریجی شمار دامها، امکان اسکان طولانی در یک محل را از آنها سلب می نمود و آنها را به سوی کوچ نشینی سوق می داد. لازم به یادآوری است که بسیاری از طوایف در ادوار کهن همزمان به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته اند. در آن روزگار مانند ترکمن های ۱۰۰-۵۰ سال پیش، بخشی به صورت کوچ نشین و بخشی دیگر به شکل اسکان یافته (تخته قاپو) زندگی می کرده اند.

در دوران باستان وسده های میانه بخش عمده ترکمن ها را همان طوایف نیمه ساکن دامدار-کشاورز تشکیل می داد. کشاورزان و دامداران بطور مداوم با همدیگر داد و ستد می کردند، آنها غله را با دام، فراورده های پوستی و پشم مبادله می نمودند، چنین بود پروسه تقسیم ترکمن ها به مردمان دامدار و کشاورز که تا زمان مائیزتداوم یافته است.

کشاورزان تنها به استفاده از آب چشمه ها بسنده نکرده، به تدریج استفاده از آب رودخانه های مرغاب، تجن و حتی رودهای بزرگی چون حیجون را نیز جهت آبیاری اراضی خود فراگرفتند. برای این کار احداث سدهای بزرگ، حفر کانالهای اصلی و لایروبی سالانه آنها ضرورت داشت و این کاری بود که اشتراک عمل، رنج و زحمت متحد تمامی اهالی منطقه را طلب می کرد. این عامل در کنار روابط تجاری روبه گسترش دست به دست هم داده به وحدت تدریجی قبایل و پیدایی اقوام یاری رساند.

همزمان با پروسه فوق الذکر به موازات افزایش تعداد صحرانشینان، دامداران ناگزیر بودند تا هرچه بیشتر کمبود مراتع را تحمل نمایند. به همین سبب حدود ۳/۵-۳ هزار سال قبل جمعیت عظیمی از دامداران نیمه اسکان یافته شمال سرزمین اقوام ترکمن و رود به جنوب را آغاز کردند و حتی بخشی از آنان تا ایران و هندوستان نیز نفوذ نمودند. طوایف کوچ نشین که از شمال وارد ایران شدند (ترکمن صحرای کنونی)، اندک اندک با مردمان کشاورز بومی درآمیخته و بخشی از آنان در این منطقه اسکان گزیدند.

- در هزاره نخست قبل از میلاد در نواحی مزرعی که امروز ترکمنها اسکان یافته اند اقوام گوناگونی زندگی می کرده اند.

آخال، اتک و بخش سفلی رود تجن (هریرود) و نیز ناحیه شمال شرقی ایران کنونی محل زندگی "پارت ها" بوده است. پارتها در نتیجه آمیزش بومیان کشاورز و جلگه نشینان دامداری که از نواحی شمال به این مناطق کوچ کرده بودند بوجود آمدند. بخشی از پارتها به کشاورزی و بخش دیگر در چراگاههای کوهستانی و اطراف صحرائی فربه قوم - در امتداد تلاقی آن با "کویت داغ" (کوههای کویت) به دامداری اشتغال داشته اند. پارتها به قالی های نفیس و اسبان تیز تک خود شهرت داشته اند. لشکریا رت ها با سواره نظام کثیرالعدد خود

هراس در دل دشمنان می افکند .

- در آن ایام در جلگه مرغاب که در آنجا سیستمی از کانالهای بزرگ و پیچیده احداث شده بود، قوم دیگری به نام "مارگیانائیا" سکونت داشتند. مارگیانائیا عمدتاً به کشت و رزق اشتغال داشتند. اما در عین حال در چراگاههای سرسبز حوالی جلگه مرغاب به دامداری نیز می پرداختند. آنان صنعتگران ماهری داشته و تهیه آهن و ساختن سلاحهای بسیار خوب پولادی را خیلی زود فرا گرفته بودند. مارگیانائیا نیز همانند پارتها با انگور و شراب خود مشهور بودند.

- سومین قوم یعنی خوارزمی ها در بخش سفلی رود جیحون شکل گرفت. در آنجا نیز همچون ترکمنستان جنوبی اقتصاد مختلط وجود داشته، ولی اساس آنرا کشت آبی تشکیل می داد.

پارتها، مارگیانایی ها و خوارزمی ها به زبانی که از شاخه های زبان ایرانیان بود تکلم می کردند.

در میان همه این اقوام، جامع به طبقات بهره کش و بهره ده تقسیم می شد. کدخدایان ثروتمند به حساب دسترنج دهقانان و بردگان زندگی می کردند. از بردگان عمدتاً در کارهای سخت بر روی زمین، چون احداث و لایروبی کانالها، در ساختن و تعمیر سد ها و ساختمانها و بنابه خدمتکار در کارهای خانه استفاده می شده است. دهقانان ناچار بودند بخشی از اخشام و محصولات خود را به کدخدا ها داده و همچنین در لایروبی سالانه کانالها نیز شرکت جویند.

کدخدا ها جهت حفظ تسلط خود بر دهقانان و بردگان سازمان دولتی (دستگاههای اداری، ارتش، دادگاهها، زندانها و امثال آن) را بوجود آوردند. در این امر روحانیون و خدام دین نیز به آنها یاری می کردند. ترکمن های اسکان یافته آتش و نیز فرشتگان زمین و محصول را پرستش می نمودند.

پارتها، مارگیاناییها و خوارزمی ها شهرها و قلعه های داشته اند که خرابه های آنها در "ارک قالا" و "بازتیه" در پایین مرغاب، "یلکن تپه" در نزدیکی های ایستگاه قورسوق"، "کونده لی قیر" در استان داش جووش (در ترکمنستان شوروی) و... هنوز نیز با برجاست.

علاوه بر اقوام یاد شده طوایف دیگری (داخها، ماساگتها و سارماتها) نیز در اراضی مورد بحث اسکان داشته اند. آنان که به دامداری اشتغال داشتند در مقایسه با سه قوم پارتها، مارگیانائیا و خوارزمی ها بسیار عقب مانده تر بودند. داخها در بخش شمالی رود اترک و جنوب شرق قارا قوم، ماساگتها در شمال درنواخی همجوار دریای آرال و سارماتها در شمال غرب و شمال کوههای معروف به بالکان بزرگ می زیسته اند.

داخها و ماساگتها از نقطه نظر شیوه زندگی شباهت بسیاری بهم داشتند. آنان علاوه بر دامداری به زراعت نیز می پرداختند. بطور مثال داخهای ساکن دشتهای شمال اترک روستاهای بزرگی داشته اند (خرابه های عزت قلی تپه و مادا و تپه کنونی در اتحاد شوروی و... ولی

لازم به یادآوری است که ثروت اصلی آنها دامهایشان بوده است. در میان داخها و ماساکتها ثروتمندانی از نوع رهبران قبایل و طوایف وجود داشت، سلاح آنها نیز بسیار گرانبها بود و لباس و زین و برگ اسبان خویش را با طلا می آراستند. در جوار وجود چنین "اغنیای"ی تعداد "تهیدستان" و بردگان نیز زیاد بود. داخها و ماساکتها جنگاوری بی باک و سوار کارانی ماهر بودند. آنان آفتاب را که به شکل پهلوانی با کلاه خود زرین، کمائی کشیده و پیکان طلایی، سوار بر اسبی بالدار و نیرومند تجسم می یافت پرستش می کرده اند و اسب را حیوانی خوشیمن دانسته با عشق و علاقه و دلسوزی خاصی تیمارش می داشتند. شاهت اسبهای داخها، ماساکتها و پارتها با اسبهای "آخال تکه" و "یمبوت" امروزی توسط دانشمندان شوروی روشن شده است. افسانه های مربوط به خدایی که با اسب بالدار خویش در حرکت بود، بعدها هنگام ظهور اسلام اساس روایت "علی بن ابی طالب و دلدل" گشت کوه در سطح بسیار وسیعی در میان ترکمن ها اشاعه یافته است.

متأسفانه اطلاعات مادر باره سازماتها - که در کرانه شرقی بحر خزری زیسته اند - بسیار کمتر است.

داخها، ماساکتها و بخشی از سازماتها احتمالاً نیاکان ترکمنهای کنونی اند، بنظر برخی دانشمندان داخها حتی نیاکان تکه ها و سازماتها جدا دیموتها بوده اند.

سلجوقها

در اوایل سده یازدهم - در نتیجه جنگهای شدید طولانی علیه قبایل صحرانشین (قیپاق ها، کیماق ها و...) - اوغوزها از محدوده قزاقستان کنونی رانده شدند و دولت اوغوزها نیز از هم پاشید. بخشی از آنان به سوی باختر، به دشت های اوکراین مهاجرت نموده و به تدریج در آنجا سکنی گزیدند و یا حتی دورتر از آن یعنی به سواحل "دون" و مجارستان نفوذ نمودند. روس ها آنان را ترک ها و یونانیان "اوز" (یعنی اوغوزها) می نامیدند. احتمال داده می شود که "چپنهک" ها و نیز بخشی از طوایف قایی، بیاته بایندور و... نیز در این تغییر مکان شرکت ورزیده اند. در قرن یازدهم و دوازدهم اوغوزها، شهری به نام "توچک" در اوکراین بنا نمودند. هرگز نام ترکمن ها به این بخش از اوغوزها اطلاق نشده است. ضمناً اوغوزهای نیز که به سوی باختر رفتند، بعدها بتدریج جذب دیگر خلیفای اروپای شرقی گشته اند و از آنان فقط شمار اندکی که در "بشارابی" زندگی می کنند، به جای مانده است (قاقا اوزها).

بخشی از اوغوزها که به زور از سرزمینهای خود رانده شدند، به سوی

جنوب به مناطق کشاورزی آسیای میانه و ایران رفتند. در این یورشها و تهاجمات و زکریا سلجوق ها - از قبایل ترکمن - نقش اساسی داشتند.

سلجوق ها در اوایل قرن یازدهم در شمال بخارا می زیسته اند. موخین شرقی گاهی آنان را ترکمن ها و گاهی اوغوزها و بعضا سلجوق ها نامیده اند. در قرن دهم میلادی سلجوق نامی از حکمرانان آنان علیه حاکم مغول، علم طغیان برافراشت و پس از فرار و سرودن حاکم است امیر بخارا قرار گرفت. به همه قبایلی که در این حادثه به همراه سلجوق گریختند و یا بعدها به آنان پیوستند، "افراد سلجوق" و یا "سلجوقیان" نام نهاده اند. آنان مانند بسیاری از ترک ها دیگر دین اسلام را پذیرفته و بسیاری از عناصر تمدن بومی را جذب نمودند. این اوغوزها یعنی سلجوقیان به مرور زمان به ترکمن ها موسوم شدند. هر چند سلجوقها بعدها قدرت یافتند ولی در اوایل سده یازدهم تاب مقاومت در برابر هجوم سایر قبایل ترک که بخشهای عمده آسیای میانه و منجمله بخارا را به تصرف خود درآورده بودند - نیاورده و به ناچار از حیون گذشته به سوی خراسان گریختند. در آن زمان سلطان مسعود غزنوی بر مناطق شمال شرقی ایران حکومت می کرد.

سلطان مسعود به مقابله با سلجوق پرداخت. لشکریان اعزامی او برای سرکوب سلجوق و افرادش شکست خورد و تا روم برگردید. سلطان مسعود از پای نشست و مجدداً به لشکرکشی علیه سلجوقیان پرداخت. ولی لشکریان او برای بار دوم منهزم گردیدند و سرداران سلجوق تمام خراسان را به تصرف خود درآوردند و پادشاهی سلجوقی را بنیاد نهادند و مروراً به پایتختی خود انتخاب کردند.

با پیروزی سلجوقیان اوضاع تغییر یافت. تمامی اوغوزهای آسیای میانه و برخی قبایل صحرانشین بتدریج برگردا نه جمع شدند. همه این مردم - که به صدهزارتن بالغ می شدند - کم کم "ترکمن ها" خوانده شدند و همانند سایر قبایل و طوایفی که وارد ترکیب ترکمن ها گشته بودند، نام اوغوزها نیز بتدریج از یادها رفت و عمدتاً در روایات و شجره نامه های قدیمی باقی ماند. در سده دوازدهم فقط به یکی از طوایف ترکمن - طایفه ای که در حوالی بلخ می زیسته اند - و در ۱۱۵۲ میلادی علیه سلطان سنجر علم عصیان برافراشته اند، "اسام" اوغوزها" اطلاق شده است.

بدین ترتیب روند تکاملی قوم ترکمن آغاز می شود. در ترکیب ترکمن ها عمدتاً اوغوزهایی که پس از فروپاشی دولت اوغوزها در آسیای میانه بجا مانده بودند و نیز بسیاری از قبایل بیابان نشین (خلج ها، قارلیق ها و...) وارد می شوند.

سرداران سلجوق تنها به تصرف خراسان اکتفا نکرده در جنگهای استیلاگرانه جدید تمامی ایران، ماوراء قفقاز، عراق، سوریه، آسیای صغیر و همچنین سراسر آسیای میانه را به تصرف خود درآوردند. آنان حتی امپراتوری روم را دچار شکستهای فاحش ساختند. و خود امپراتور توسط سربازان ترکمن اسیر گشت. دولت سلجوقیان در نیمه

دوم قرن یازدهم به یکی از نیرومندترین دولتهای جهان تبدیل شد. این دولت بر اساس غارت بی رحمانه مردمانی که در جنگهای خونین مغلوب گشته بودند، بنا شده بود. قبایل ترکمن که با نثار خون خود سرزمین ها و ثروت های جدیدی نصیب سلاطین خود نموده بودند، بتدریج از آنان متنفر شده و جهت خاتمه دادن به جنگهای بی پایان، علیه آنان سربه شورش برداشتند، بدین ترتیب این دولت عظیم در اواخر قرن یازدهم از هم پاشید.

در طول جنگهای تجا و زگرانه سلجوقیان شمار کثیری از ترکمن ها به سرزمین های فتح شده بویژه به خاور نزدیک (آذربایجان، ارمنستان، آسیای صغیر و بعضی مناطق عراق و سوریه) رفتند. بعدها بخشی از ترکمن ها از آنهم فراتر رفته حتی به اراضی حبشه (اتیوپی کنونی) نیز نفوذ نمودند. بخش قابل توجه دیگری از ترکمن ها به رهبری خانهای "خلج" در قرن دوازدهم وارد هندوستان شده در جلگه های حاصلخیز سند و گنگ اسکان یافتند. "بختیار" نامی از سرداران "خلج" و فرزندان وی مدتها در بنگال حکومت کردند و از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۰ میلادی پادشاهی کل هندوستان در دست سرداران خلج بود. سرکردگان ترکمن در قرنهای ۱۵-۱۲ نقش برجسته ای در تاریخ سیاسی هند ایفا نمودند، اما ترکمن هایی که به هندوستان کوچیده بودند، بتدریج با قبایل گوناگون افغان و ترک و بومیان هندوی درآمیخته، در میان جمعیت عظیم بومی، پخش و حل گشتند.

بخش دیگری از ترکمن های یعنی ترکمن های "سمیرچیه" و آسیای مرکزی (قارلیقها، آربوها، توخسیها و...) در حرکت سلجوقی همراست شرکت نکردند. اینان رابطه بسیارضعیفی با ترکمن های دیگر داشتند بعدها نام ترکمن ها در آسیای مرکزی بطور کامل فراموش شده و نام اوغوزها نیز از آسیای میانه ناپدید گردید.

بدین ترتیب یکی از قدیمی ترین اقوام ترکمن که در قرنهای دهم و یازدهم میلادی گام در راه تکوین و تکامل گذاشته بود، قبل از اتمام این پروسه متلاشی گشت، فقط بخشی از ترکمن ها در آسیای میانه باقی ماندند، ولی اکثر آنان به خاور نزدیک، هندوستان و یا آسیای مرکزی رفته در آنجا اسکان گزیدند، آنان با بومیان درآمیخته و در آنجا حل شدند.

بخشی از ترکمن ها که در قرن یازدهم و بعدها در سرزمین خویش در آسیای میانه باقی ماندند، از بوته آزمون تاریخ مستحکم و مقاوم بیرون آمدند و خلق ترکمن امروزی از آنان بوجود آمد.

آغاز پروسه تکامل قوم ترکمن

پیدایش نام ترکمن ها

اراضی و مناطق ترکمن نشین کنونی (در اتحاد شوروی، ایران و افغانستان) از زمانهای قدیم عرصه تاخت و تازهای متوالی پادشاهان و حکام گوناگون بوده است. ۲۵۰۰ سال پیش پادشاهان ایران مردمان دامنه کوههای کویت و استانهای حاصلخیز کناره های مرقاب و حیون را تحت تابعیت خود درآوردند. اما در جنگ علیسه طوایف صحرائنشین بارها دچار شکست های سنگینی نیز گشته اند، اسکندر مقدونی استیلاگر نامی یونانی و فاتح سرزمین ترکمنها در جنوب نزدیک به ۲۳۰۰ سال پیش، نتوانست صحرائنشینان را مطیع خود سازد.

اقوام کشاورز پارتها و مارگیانایها که مغلوب استیلاگران گشتند پیوسته در آرزوی آزادی بوده اند. ۲۵۰ سال قبل از میلاد یکی از سرداران بومی، موسوم به "آرشاک" (اشک) بایاری داخه های بخش سفلی تجن علیه یونانیان شورید و به دنبال پیروزیهای پی در پی شاهنشاهی بسیار بزرگ پارتها (اشکانیان) را - که بیش از ۵۰۰ سال دوام آورد - بنیان نهاد.

در قرن سوم میلادی پارتها مغلوب شده و تار و مار گردیدند و مناطقی که قسمتهایی از شمال و شمال شرقی ایران کنونی را دربر می گرفت در نتیجه سیاستهای فاتحین بتدریج نام "خراسان" بخود گرفت. ساکنین این استان که فرزندان پارتها، مارگیانایها و احتمالاً داخه های بوده اند از سده های چهارم و پنجم میلادی اکثر با نام عمومی خراسانی ها شناخته شده اند. اینان به زبانی نزدیک به زبان فارسی و تاجیکی - که از شاخه های زبان فارسی است - تکلم می نمودند.

خراسانی ها در کوهها و روستاها زندگی کرده، عمدتاً به زراعت و پیشه وری اشتغال ورزیده اند. در میان آنان سوداگران نیز بوده اند. در قرنهای ۱۰ - ۶ میلادی خراسان دارای تمدنی عالی بوده است. و شعراء، دانشمندان، معماران زبردست و استادان حرف گوناگون در آن می زیسته اند. بخشی از خراسانی ها و خوارزمی ها بعدها بتدریج با ترکمن ها درآمیخته اند. بهمین جهت نیز خلق ترکمن یکی از

میراث داران راستین تمدن خراسان و خوارزم بوده است .
در سال ۶۵۱ میلادی خراسان و سپس خوارزم به تصرف استیلاگران
عرب درآمد . اعراب مهاجم دین اسلام را با خود به این منطقه آوردند .
بخشی از اعراب و عمدتاً اعراب بدوی در بیا با نه‌ای قلمرو جنوبی
ترکمن ها اسکان گزیده بعدها وارد ترکیب ترکمن ها گشتند . خلفای
عرب تا اوایل قرن نهم بر این منطقه حکم راندند و سپس حاکمیت
به حکام بومی یعنی امیران خراسان و شاهان منتقل گردید .

مقارن با این دوره اتفاقات مهمی در صحراهای متصل به
دریاچه آرال و دریای خزر رخ داد . رشد مالکیت خصوصی بردا مها و چاهها
پیدایش طبقات و مبارزه طبقاتی در میان کوچ نشینان ، تشدید
جنگها و بر خوردها میان طوایف ، چپا و لگری و لشگر کشی به مناطقی
دور دست ، سبب پیدایش و نیز فروپاشی اتحادهای گوناگونی در میان
طوایف صحرا نشین می گشت . این امر در حال به آمیزش بیشتر
طوایف با یکدیگر منتج می شد .

قریب به دوهزار سال پیش " آلانها " که از اسلاف سا رما تها و
ما سا گنها بودند در صحراهای قلمروی ترکمن ها جایگاه و موقعیت بسیار
مهمی کسب کردند . آلانهای سا کن دشتهای شمال قفقاز و کوچه های ها ،
دامدار بوده و بخشی نیز به کشت و زرع اشتغال داشته اند . آنان با
اسبها و جنگجویان بی باک خود مشهور بودند . آلانها شمشیر آهنی را
ستایش می کردند .

بقایای این آیین به صورت تقدیس " جوهر پیچاق " یا " جوهر
قلیچ " (نوعی گارد یا شمشیر آهن سخت) هنوز نیز در میان ترکمن ها
حفظ شده است . آلانهای یکی از اجداد اصلی ترکمن ها (همچنین بخشی از
کوه نشینان قفقاز) محسوب می گردند . اگر بخواهیم دقیق تریان
کنیم ریشه طایفه " یازر " - از طوایف قدیمی ترکمن - احتمالاً
به " یاس ها " (یکی از شاخه ها آلانها) می رسد . طایفه ترکمنی یازر
بعدها به نام " قره داشلی " نامیده شده است . آداب و سنن آلانها
مثلاً عادت شکل بیضی دادن به سر بچه ها از طریق بستن مداوم آنها
با دستمال تا همین اواخر در بین ترکمن ها حفظ گردیده بود . استفاده
از کلاه پوستی (تلیک) ، پوشیدن " قزیل دون " (قبای سرخ) و بسیاری
از اجزاء زین و برگ اسب و ... احتمالاً از آلانها به ترکمن ها رسیده
است .

حدود ۲۰۰۰ سال قبل و یا بیشتر از آن ، طوایف مختلف دامدار و
کوچ نشین ، مغول ، که با قد کوتاه و چشمانی مورب و کوچک متمایز
می گشتند ، از آسیای مرکزی وارد بیا با نه‌ای متصل به دریاچه
آرال و خزر شدند . نخستین آنها " هون " ها بودند که با ما سا گنها
در آمیخته و " افتالیتها " را پدید آوردند . احتمال می رود که
اینان نیاکان ترکمن های " ابدال " و بعضی طوایف افغانستان
باشند . در پیدایی خلق ترکمن مهمترین نقش را ورود " اوغوزها " و
" قارلیقها " و بسیاری دیگر از طوایف ترک به آسیای میانه (از قرن ۶
میلادی به بعد) ایفا نمود .

چنانکه در بالا ذکر شد در پروسه تکوین و تکامل خلق ترکمن از بین همه طوایف ترک، اوغوزها نقش برجسته‌ای ایفا کردند. آنان در قرون ۸-۶ میلادی در آسیای میانه ظاهر شده، بتدریج تقریباً در تمامی صحرای آسیای میانه و بخش بزرگی از قزاقستان (یکی از جمهوریهای کنونی اتحاد شوروی) پخش گشته، طوایف کوچ نشین آنان، یاسها و... را تحت تبعیت خویش درآوردند و با آنان درآمیختند.

"اوغوزها" که به طوایف متعددی تقسیم می شدند در قرن دهم دولت بزرگ اوغوزها را بوجود آوردند. حکمران آنها موسوم به "یابغو" در شهر "ینگیکنت" در بخش سیفای رود سیحون اسکان داشت، بخش عمده اوغوزها دامدارای می کرده، بز و گوسفند، اسب و شتر پرورش می داده اند. آنان در صحرای "الایچقهای" با پوشش پردوام (موسوم به قارا اوی) می زیسته اند. در میان اوغوزها در مناطق گرمسیری کشاورزان و ماهیگیران نیز بوده اند. اوغوزها مثلاً به سوارانی شگفت انگیز و تیراندازانی زبردست شهرت داشته اند. اکثریت قریب به اتفاق آنها را دامداران و کشاورزان آزاد تشکیل می داد، ولی در میان آنان بردگان نیز بوده اند.

در میان اوغوزها روایتی درباره تاریخ طوایفشان وجود داشته است، بطور مثال روایاتی درباره "اغوزخان" بنیانگذار و سرسلسله اوغوزها و نیز پدر قهرمان و افسانه‌ای آنان، و نیز درباره جنگجوی نامدار "سالیرقازان" و وزیر خردمند او "قورقوت آتا" و دیگران. اینکه بخش قابل توجهی از اوغوزها را طوایف قدیمی صحرانشین آسیای میانه (مانند آنانها و...) تشکیل داده اند، حقیقتی تردیدناپذیر می باشد. بهمین سبب نمی توانیم اوغوزهای آسیای میانه در قرون نهم و دهم را طوایف خالص ترک ارزیابی کنیم.

بخشی از آنان بویژه ساکنین نواحی سفلی سیحون و بیابانهای قزاقستان مرکزی امروزی از نژاد مغول بوده اند. (جغرافی دان عرب آنها را کوتاه قد و دارای چشمانی تنگ توصیف نموده اند)

ما در میان نامهای طوایف اوغوزها به اسامی زیادی برمی خوریم که در میان ترکمنها وجود دارد. بطور مثال می توان به اسامی سالیر (سالور)، بیات، قایی (از طوایف قبایل گوکلان)، "ایگدر"، "بایندر" (طایفه‌ای از قبیله گوکلان و ابدال)، بکدلی (بیگدلی)، کارکیمن (قارقیمن)، "توتورغا" یا "دودورغا" (طایفه‌ای از قبیله گوکلان) و برخی دیگر اشاره کرد.

بسیاری از تاریخ نویسان براین اساس معتقدند که در میان اوغوزهای قرون نهم و دهم ترکمنها نیز بوده اند. اما این ادعا چندان به حقیقت نزدیک نیست. در واقع اوغوزهای یکی از نیاکان ترکمنها بوده اند. باید توجه کنیم که اولاتنها بخشی از اوغوزها بعداً ترکمن نام گرفته اند. ثانیاً تنها اوغوزها بلکه نمایندگان طوایف و قبایل زیادی وارد ترکیب ترکمنها گشته اند. بدین ترتیب بخشی از نیاکان ترکمنها بومیان کشاورز و دامدار ساکن در مناطق ترکمن نشین امروزی بوده و بخش دیگر قبایل ترک زبانی از نژاد مغول بوده اند که عمدتاً به دامدارای اشتغال ورزیده و از آسیای

مرکزی (آلتایی ، سین کیانگ و مغولستان) به محدوده ترکمن نشین
 امروزی (درشوروی ، ایران و افغانستان) آمده اند .
 نام "ترکمن ها" برای نخستین بار در اسناد و تاریخ ادبیات
 ۱۲۰۰-۱۰۰۰ سال قبل ثبت شده است . درباره ای اسناد درباره
 تصرف آسیا توسط اعراب و نیز در دایرة المعارف تون - دیانگ
 چین - که در قرن هشتم تنظیم شده - از ترکمن ها نام برده می شود
 مقدسی جغرافی دان نامی عرب در اثر معروف خود از ترکمن های ساکن
 "سمیرجه" سخن گفته است که رهبران در شهر "اردو" زندگی می کرده
 است . نظام الملک سیاستمدار مشهور ایران نوشته است که ترکمن ها
 در اواسط قرن دهم در دشت های خراسان زندگی کرده اند . در آن زمان
 واژه "ترکمن ها" به معنی "پراکنده" بکار می رفت . می توان گفت
 که نام ترکمن ها به بخشی از قبایل صحرائین ترک زبان (اوغوزها ،
 قارلیق ها و ...) مناطق زراعی آسیای میانه یعنی (محدوده های
 قرقیزستان ، ازبکستان ، ترکمنستان ، افغانستان کنونی و ...)
 اطلاق می شده است ، که تمدن همسایگان کشاورز خویش را جذب و تداوم
 بخشیده و نیز زودتر از سایر قبایل ترک زبان ، اسلام آورده اند .
 (۲) - طوایف بیات ، قایسی ، یایندور ، بیگدلی و دودورغا جز
 طایفه گوکلان می باشند که اکنون در ترکمن صحرائ ایران اسکان
 دارند . خواجه رشیدالدین فضل الله درباره طوایف نامبرده در اثر
 مشهور خود جامع التواریخ به تفصیل سخن گفته است . ایگدرهانی نیز
 در حومه گنبدگا و وسایران زندگی می کنند .

(۱) - شماره و نام این روایات را خان خیره "ایوالغازی" در اثر
 خود به نام "شجره نسل ترکمن ها" (قرن ۱۷) آورده است .

تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن

مقدمتاً باید به سرنوشت ترکمن‌هایی که در زمان حرکت سلجوقیان در آسیای میانه باقی ماندند اشاره شود. آنها عمدتاً عبارت بودند از قبایل و طوایف مختلف اوغوزها مانند یازیر (یا زر)، سالیور (سالور، سالار)، بایات (بیات)، چوودیر، کاکین (قارقین)، ایگدیر (ایگدر)، کایی (قایی)، توتورغا (دودورغا)، بکدلی (بگدلی) - بیگدلی) و ...

اولاً بسیاری از آنها بطور عمده زندگی اسکان یافته اختیار نمودند و در عین اشتغال به دامداری به کشاورزی نیز می پرداختند و متناسب با این وضعیت، افراد نیز به چومورها (کشاورزان تخته قاپو) و چارواها (دامداران کوچ نشین) تقسیم گردیدند.

ثانیاً آنان هنگام گذار به زندگی اسکان یافته به جهت آنکه در جوار خراسانی ها و خوارزمی ها تخته قاپوسکنی گزیدند، در پیروسیه کار و زحمت با آنان نزدیک شدند. این نزدیکی تاثیر خود را بر شیوه تولید، زندگی، فرهنگ و تمدن و زبان آنان به جای می نهاد. اوغوزها پیشه‌وری و کشاورزی را از خراسانی ها فرا گرفتند و بسیاری از واژه‌های آنان را در زبان خود داخل کردند. خراسانی ها نیز به نوبه خود خیلی چیزها (بویژه در زمینه دامداری) و نیز عرف و عادات و واژه‌ها را از همسایگان جدید خود کسب نمودند. اقوام کشاورز و صحرانشین از طریق نزدیکی بهم، یکدیگر را در عرصه تولید و تمدن غنی‌تر می نمودند.

محمود کاغشگری دانشمند ترک در قرن یازدهم میلادی چنین نوشته است: "آنان (غزها) زمانیکه با پارسها درآمیختند، بخشی از واژه‌های خود را فراموش نموده بجای آن شروع به استفاده از کلمات پارسی نمودند" محمود کاغشگری بعنوان نمونه بسیاری از واژه‌های مزبور را در اثر خود آورده است. تقریباً تمامی این واژه‌ها کلمات مربوط به کشاورزی و پیشه‌وری است.

در قرنهای یازدهم و دوازدهم خراسانی ها و خوارزمی ها بدون تردید هم از نظر شمار بر اوغوزها فزونی داشتند و هم از نظر درجه رشد در مراحل بالاتری بودند.

اما یورش وحشیانه لشکریان جنگیزخان در سال ۱۲۲۰ میلادی اوضاع را از اساس دگرگون کرده و کشاورزان و مردمان شهرشین که بخشی قتل عام شده و بخشی نیز به اسارت درآمدند، متحمل ضایعات بزرگی گشتند. شهرهای خراسان و خوارزم ویران گردید و بسیاری از آنها از سکنه خالی شد. شبکه های آبیاری زیادی منهدم گشت، و برپیکر تمدن کشاورزی آن سامان ضربات سنگینی وارد آمد. در تولید امداد برای جایگاه نخست را از حراز کرد و قبايل کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی که ترک نامیده می شدند بتدریج در امور اقتصادی نقش اصلی را ایفا کردند. این قبایل که بخشی از آنان به زندگی اسکان یافته گذار نموده بودند در قرنهای ۱۳-۱۵ بطور عمومی ترکمن ها نامیده می شدند. بقایای مردم کشاورز فارسی زبان ساکن در مناطق ترکمن ها نیز بتدریج در میان ترکمن ها حل شده زبان آنان را می پذیرند و خود را ترکمن می نامند. قلمرو ترکمن ها در جنوب ترکمن صحرای کنونی ایران و مناطقی از خراسان در قرنهای سیزدهم و چهاردهم تحت سلطه ایلامیان (هلاکو خان مغول و اقبای وی) درآمد و بعد از آن نیز تحت تسلط تیمور لنگ و خاندان وی قرار گرفت. در این دوره مناطق شمالی (استان ترکمنستان شوروی امروزی) نیز تحت فرمان خانهای "آلتین اردو" (اردوی طلایی) بوده و گهگاه (بویژه در قرن پانزدهم) به استقلال نیز دست می یافته است.

مناطق جنوبی در دوره تسلط مغولها، شدیدترین تهاجمات و ویرانی ها را متحمل شد و تا مدت ها توانایی جبران خسارات وارده را نداشت. در این سرزمین بیات ها، سحرها و برخی دیگر از قبایل ترکمن و نیز بقایای خراسانیهای ساکن، که بسیاری از عادات و زبان آنان را پذیرفته بودند، زندگی می کردند. در بسیاری از شهرها و مناطق روستایی دامدارانی که زندگی اسکان یافته اختیار نموده بودند، در طی زندگی مشترک با یومیان کشاورز قبايل مشترکی را تشکیل می دادند، قبایل ترکمن "بوخورلی"، "مویرجه لی"، "اتولی" "مهن لی"، "مختوم" و برخی دیگر بدینگونه شکل گرفتند. بخش عمده ترکمن ها در آن زمان در مناطق شمالی می زیستند. در قرن سیزدهم قبایل گوناگون از دست مغولان مهاجم به اعمق بیابانها پناه بردند. همچنین بقایای قبایل قدیمی اوغوز، سالیرها، چوودورها، ایگدرها، ارساریها (که به نام سرکرده خود ارساری بای، ارساری نامیده می شدند) همه در آن مناطق گردآمده بودند، و رفته رفته به کشاورزی اشتغال یافتند.

در زمان هجوم مغولها، آب رودخانه جیحون از کناره های آن سرریز شده، به سوی غرب جریان یافته، جلگه بیکران "ساری قامیش" را سیراب می نموده است. دریاچه بزرگی از آب شیرین نیز در این محل بوجود آمده بود. ترکمن ها و سالیرفرانی که از طوایف مختلف بودند در "ساری قامیش" گردآمده، با احداث شبکه های پیچیده آبیاری به زراعت پرداختند. به کمک شبکه های آبرسانی "بیش از ۵۰ هزار هکتار زمین آبیاری می گشت. بخشی از مردم نیز به پیشه وری

وبخشی دیگر به دامداران پرداخته اند. چاهها و آبگیرهای خشک شده‌ای که اکنون در آن منطقه وجود دارند، خود بیانگر آن است که روزگاری انسانهای زحمتکش زیادی در این نواحی زیسته‌اند. در واقع نیز در مناطق شمالی، بحیرات، چوودیرها، آبگیرها، آرساری‌ها، غیزیرلیها، آلیلی‌ها قبایل دیگرترکمن چون تکه، یموت، گوکلنگ، یمیرلی، آراباچی، آتاو... نیز زندگی کرده‌اند. از مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که در واقع این منطقه خشن محل نشوونمای خلق ترکمن بوده است.

اتمام پروسه تکوین قوم ترکمن مربوط به قرنهای ۱۵-۱۴ می‌باشد. در آن دوره وحدت قبایل صحرانشین - که زندگی اسکان یافته اختیار نموده بودند - با بقایای مردمان تخته قاپوی قدیمی در جنوب آسار پایان یافت. مقارن با آن در شمال نیز مردمانی که از دست ستم خانهای مغول جلای وطن کرده و به این مناطق آمده بودند، قبایل جدیدی تشکیل دادند.

اوغوزها و نیز مردم اسکان یافته خراسان شمالی که با آنان آمیزش یافتند، نیاکان اصلی ترکمن‌ها هستند. بحیراتها در ترکیب ترکمن‌ها با نامهای شناخته شده‌ای چون ابدال، عرب، قالمیق، قپاق، قازلیق (قارالوق)، مغول، تاتار، مرکیت، موکری، آغار، گرایلی (گرایلی، گرمی)، خلج و قبایل دیگر برخورد می‌کنیم. این نامها متعلق به قبایلی است که زمانی در محدوده ترکمن‌ها می‌زیسته و به قبایل ترکمن پیوسته‌اند.

برخی طوایف ترکمن (مانند طوایف سیدیا سید، شیخ، خوجه) احتمالاً در رابطه با روحانیون مسلمانی که در سرحادات قلمرو ترکمن‌ها می‌زیستند بوجود آمده‌اند. بدین ترتیب تکوین و تکامل خلق ترکمن همانند سایر خلقها پیچیده بود. از نژادها و قبایل گوناگونی که با هم آمیخته، به مجموعه واحد پیوسته‌اند و هم‌اکنون ساکنانند بوجود آمده است.

پیدایش قوم ترکمن در قرنهای چهاردهم و پانزدهم با شرایط معینی مشروط گشته بود، این شرایط عبارت از این بود که در جوار حفظ بقایای نیرومند ساختار قبیله‌ای، روند تکاملی فتودالیزم نیز نه تنها در میان اهالی اسکان یافته، بلکه در میان مردم کوچ نشین صحرانیزایان یافت.

پس از آن در قرنهای ۱۸-۱۴ قبایل ترکمن‌های شمال به دنبال خشکیدن تدریجی دریاچه ساری قامیش و ازسوی دیگر تشدید حملات لشکریان خانهای ازبک، قالمیق و قزاق به سوی جنوب سرازیر شدند. در قرن ۱۶ آلیلی‌ها، گوکلنگ‌ها، یمیرلی‌ها و برخی دیگر، در قرن ۱۷ آرساری‌ها و سالیرها و ساریق‌ها در قرن ۱۸ تکه‌ها و بخشی از یموت‌ها نیز به جنوب مهاجرت نمودند. درست در همان قرن بخش دیگر یموت‌ها در غرب خوارزم (استان داش حوض فعلی در ترکمنستان شوروی) به زندگی اسکان یافته گذار نمودند. و در اوایل قرن ۱۹ چوودیرها نیز با آنان پیوستند. اینگونه مهاجرت‌ها به جنگهای بین قبایل منجر شد. در

نتیجه این جنگها یا زرها (قره داشلی ها) ، یمرلی ها و بخشهایی از آلیلی ها به خوارزم و بخش دیگر به افغانستان رفتند. بسیاری از قبایل ترکمن نیز بارها زیستگاه خود را تغییر دادند. بخشی از آنان (عمدتاً چوودیرها) در اواخر قرن ۱۷ حتی به روسیه مهاجرت کردند.

پراکندگی قبایل ترکمن مورد استفاده وسیع دولتهای فئودالی همجوار همچون شاهان ایران، خانهای خیوه و بخارا قرار می گرفت. آنها می کوشیدند تا با انواع شیوه ها تخم دشمنی و نفاق میان ترکمن ها بپاشند و آنان را به زانودرآوردند.

چنین وضعیتی در وجود فرزانه ترین و آینده نگرترین افراد ترکمن از جمله مختوم قلی شاعر و اندیشمند بزرگ ترکمن - کُسه ترکمن ها را به اتحاد، برای رفع ستم بیگانگان و ایجاد دولتی مستقل خویش فرار می خواند. تا سَف و خشم و کین عمیقی می آفرید. اما این آرزوی شاعرانه تنها در حین حیات وی، بلکه حتی پس از گذشت صد سال از درگذشتش نیز تحقق نیافت. پراکندگی خلق ترکمن، تمایز طوایف مختلف بوسیله برخی آداب و رسوم، لباس و نوع مسکن و اختلاف گویش های قبایل مختلف - که گاهی سبب دشمن انگاشتن یکدیگر می شد، مدت ها ادامه داشت.

به راستی علت اینکه خلق ترکمن در آن زمان موفق نشدند به این پراکندگی ها پیچیده شود چیست؟ علت اصلی را باید در عقب ماندگی اقتصادی ترکمن ها جست. تا اواسط قرن نوزدهم دامداری - کُسه بدون تهیه و ذخیره سازی علوفه انجام نمی گرفت - و وجود اقتصاد روستایی عقب مانده - بدون سیستم صحیح کشاورزی و استفاده از ابتدایی ترین ابزار و تاسیسات آبیاری - پایه اقتصادیات ترکمن ها را تشکیل می داد، همچنین از صنایع دستی در خور توجه نیز خبری نبود. و شهرهایی که بتوانند به مراکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عموم ترکمن ها تبدیل گردند، وجود نداشت. قبایل ترکمن در زمینه اقتصادی روابط سستی با هم داشتند. ترکمن های خوارزم با خیوه ترکمن های کناره جیحون یا بخارا، ترکمن های دامنه "کویت داغ" و حومه اترک با ایران و ترکمن های مانقشلاق با روسیه داد و ستد می نمودند، ولی در عین حال تقریباً هیچگونه داد و ستدی میان خود نداشتند.

اما علیرغم همه اینها آنان دارای نکات مشترک بسیار زیادی بودند، همه زبان یکدیگر را بخوبی می فهمیدند، تقریباً لباس مشابهی می پوشیدند. وجوه تشابه متعددی در آداب، سنن، شیوه زندگی و اقتصاد آنان وجود داشت. همه ترکمن ها به اشعار مختوم قلی و حماسه "کور اوغلی" و داستانهای دیگر افتخار می کردند. مضاف بر آن کم نبود مواقعی که آنان از ترس تهاجم بیگانگان هر چند بطور گذرا متحد می شدند، هر چند این اتحادها هرگز نتوانست قوام یابد و پایدار گردد. خلاصه کنیم: اقتصاد عقب مانده و طبیعی امکان نداد تا قوم ترکمن بیش از پیش رشد نمود، انسجام یافته و به "ملت" تبدیل گردد.

پیدایی ملت سوسیالیستی ترکمن

الحاق بخش شمالی قلمرو ترکمن ها به امپراطوری روسیه در نیمه دوم قرن نوزدهم (۱۸۸۵-۱۸۶۸) به لحاظ پیامدهای بعدی آن حادثه مهمی در تاریخ خلق ترکمن بود. علیرغم مضمون ارتجاعی و نظام استعمارگرانه تزاریسم، الحاق بخش شمالی به روسیه سبب پیدایی عناصر شرقی در زندگی این خلق گشت. پروسه جذب این مناطق به سیستم سرمایه داری آغاز گردید. از میان اراضی مزبور خط آهن کشیده شده و شهرهایی با روابط سرمایه داری در اطراف آن بوجود آمد. در شهرها کارگاه های صنعتی تاسیس شد. طبقات جدید اجتماعی یعنی پرولتاریا و بورژوازی پایه میدان نهادند. کشاورزی نیز تحت تاثیر متاسبات سرمایه داری دگرگون گشت و تولید غله و پشم و بویژه پنبه به مثابه کالا، رشد بسیار سریعی آغاز کرد. بخشی از ثروتمندان ترکمن، ثروت خود را در روابط بورژوازی بکار انداخته، روابطی با بانکهای روس برقرار ساختند و به تاسیس آسیابهای بخاری، کارخانه های آجر پزی و حتی پنبه پاک کنی پرداختند.

رشد تولید کالایی و ایجاد روابط سرمایه داری یکپارچگی ترکمن ها را تسریع کرد و به پروسه تبدیل ترکمن ها به یک ملت بورژوازی یاری رساند. اما این پروسه تا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به پایان نرسید. زیرا درجه رشد اقتصادی - اجتماعی خلق ترکمن هنوز در سطح لازم نبود و این انقلاب کبیر اکتبر بود که همانند دیگر خلقهای داخل محدوده امپراطوری روسیه خلق ترکمن را نیز به شاهراه ترقی و سعادت سوق داد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نظام سرمایه داری وستم ملی را در روسیه برای همیشه به گور سپرد. حزب کمونیست لنینی مبارزه بخاطر رشد اقتصادی و شکوفایی فرهنگی ملت های عقب مانده و از آن جمله ملت ترکمن را گسترش داد. اکتبر کبیر سرآغاز پیدایش و تکامل و شکوفایی ملت های جدید سوسیالیستی گردید و همیاری برادرانه این ملت ها را در کار ساختن سوسیالیسم و کمونیسم بنیان نهاد.

از سال های ۱۹۱۸-۱۹۱۷ طبقه کارگر انقلابی روسیه تحت رهبری حزب بلشویک ها اتحاد با دهقانان ترکمن را آغاز کرد و در تحکیم آن تلاش نمود. پروسه جذب دهقانان ترکمن به شوراها، ارتش سرخ و

نیز جذب پیشروترین آنان به حزب آغا زگشت .
 از سوی دیگر نفوذ آنها و سرمایه داران ترکمن در مخالفت با منافع
 خلق ترکمن با استعمارگران (گارد های سفید روسی و امپریالیست های
 انگلیسی) متحد شده ، آشوب های ضد شوروی در ترکمنستان بپا کردند .
 جنگ داخلی را آغاز نمودند . زحمتکشان ترکمن بزودی به ماهیت
 دشمنان مردم پی بردند و دوشادوش کارگران و دهقانان روسیه
 در تحکیم انقلاب تلاش کردند . دسته های ترکمن تحت رهبری قیزیل خان
 از تجن " ، اللهیار قربان افاز " قارلی قالا " و نیز دسته های عشق آباد
 و " مرو " به ارتش سرخ پیوستند و از میان آنان بعدها " بریگا دسواره
 ترکمن " تشکیل گردید . ترکمن های خیره و بخارا نیز به مبارزه انقلابی
 پیوستند . ترکمن های ساکار (ساقار) و سایا دبه رهبری "باشم سردار"
 علیه امیر بخارا و ترکمن های کهنه اورگنج علیه "خان چنید"
 - خان خیره - به مبارزه برخاستند .

در نتیجه اتحاد رزمجویانه زحمتکشان روس و ترکمن و ... در سال
 ۱۹۲۵ حاکمیت شوروی در تمامی اراضی ترکمنستان استقرار یافت
 و خلق ترکمن نیز دوشادوش تمامی خلقهای شوروی در راه ساختمان
 کمونیسم گام نهاد .

در سال ۱۹۲۱ نام استان ماوراء خزر ترکستان به استان
 ترکمنستان تغییر یافت . و در سال ۱۹۲۴ بر اساس وحدت استان

ترکمنستان جمهوری ترکستان با نواحی ترکمن نشین بخارا و خوارزم
 جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان تأسیس یافت . جمهوری
 مستقل ترکمنستان در سال ۱۹۲۵ به اتحاد جماهیر شوروی پیوست و
 همزمان با این رخدادها در سال ۱۹۲۴ حزب کمونیست ترکمنستان نیز
 تشکیل یافت .

تشکیل دولت سوسیالیستی ترکمنستان بمثابه واقعای بزرگ و
 برجسته در تاریخ خلق ترکمن ثبت شده است . این جمهوری که مردمان
 پراکنده ترکمن را در خود متحد می ساخت شرایط مساعدی را جهت بنای
 سوسیالیسم در ترکمنستان و نیز رشد و تعالی ملت سوسیالیستی ترکمن
 فراهم آورد . عوامل زیر برای تأمین این رشد و تعالی ضرورت داشت :
 ۱ - ضرورت ایجاد طبقه کارگر ترکمن بمثابه نیروی رهبر ملت
 سوسیالیستی .

۲ - ضرورت نابودی طبقات استثمایر (کولاک ها ، اشراف و بقایای
 خانها)

۳ - ضرورت غلبه بر پراکندگی قبیله ای - طایفه ای خلق ترکمن ،
 پایان دادن به خصومت های دیرپایان طوایف ، قبایل و اقوام
 مختلفه تکمیل پروسه ایجاد زبان مشترک و همگانی ادبی و محاوره ای
 ترکمنی و فرهنگ ملی سوسیالیستی و ... و نیز ایجاد روشنفکران ملی
 شوروی .

۴ - ضرورت اتحاد طبقه کارگر و دهقانان در درون ملت و تبدیل
 آن به دوستی و برادری خلل ناپذیر .

۵ - ضرورت تحکیم دوستی میان زحمتکشان ترکمن با زحمتکشان
تمامی کشور، غلبه بر کلیشه مظاهرناسیونالیسم، خصومت‌ها
و اختلافات ملی و نیز ارتقای اتحاد ملی به دوستی و برادری خلل‌ناپذیر
تمامی وظایف فوق‌درپروسه ساختن سوسیالیسم تحت رهبری
حزب کمونیست تحقق پذیرفت.

طبقه‌کارگرترکمن در اوایل دهه ۳۰ بوجود آمد. شمارکارگران
ترکمن در سال ۱۹۳۶ تقریباً ۱۰ هزار نفر بود. طبقه‌کارگر ملی که بر
اساس سیاست لنینی حزب کمونیست و در دوران حکومت شوروی بوجود
آمده توسط سازمانهای حزبی رهبری می‌گشت به ادعای بورژوازی
ملی، خانها و ثروتمندان جهت کسب موقعیت رهبری در جامعه ترکمن
الی الابدخاتمۀ داووبه محروستون فقرات ملت سوسیالیستی ترکمن
مبدل گشت.

کلکتیویزاسیون (جمعی کردن) کشاورزی در رشد و تکامل ملت
سوسیالیستی ترکمن نقش بسیار عظیمی ایفا کرد. دهقانان ترکمن که
تقریباً ۹۲ الی ۹۳ درصد تمامی خلق ترکمن را تشکیل می‌دادند تا
اواسط دهه ۲۰ از نظر سیاسی هنوز از رشد بسیار کمی برخوردار بودند.
وبخشی قابل توجهی از آنان هنوز تحت تاثیر روحانیون و خانهای
قبایل قرار داشتند. اصلاحات ارضی در سالهای ۲۷ - ۱۹۲۵ گام سیاسی
بزرگی در جهت جذب دهقانان به طرف حکومت شوروی بود. در سایه
کمک مستقیم طبقه‌کارگر و تحت رهبری حزب از سال ۱۹۲۹ امر سر
کلکتیویزاسیون گسترش یافت. روستاها با مدرنترین تکنولوژی
کشاورزی بجای گاوآهن، وایستگاههای ماشین و تراکتور و... تجهیز
شدند. در اواسط دهه ۳۰ امر ساختن کالخوزها با موفقیت تمام در
ترکمنستان به پایان رسید.

درپروسه جمعی کردن کشاورزی بقایای کولاکها و فئودالها و خانها
نابودگشتند. این امر شرایط مساعد بسیاری برای شکوفایی جامعه
فراهم آورد. در ترکیب اجتماعی ملت ترکمن تنها دو طبقه دوست
یعنی طبقه‌کارگر و دهقانان کالخوزی و نیز روشنفکران ملی بجای
ماندند.

در دوران بنای سوسیالیسم در ترکمنستان انقلاب فرهنگی و
ومدنی نیز گسترش یافت. مدارس زیاد و فراگیر، آموزشگاههای عالی،
روزنامه‌ها و مجلات به زبان مادری بوجود آمد. ادبیات ترکمنی شوروی،
تئاتر ملی، موسیقی، هنر و سینما و... بطور موفقیت آمیز رشد کرد.
زبان ادبی و فراگیر ترکمنی کمال یافت.

درپروسه رشد اقتصادی و انقلاب فرهنگی ترکمنهای قبایلی
مختلف با هم درآمیختند. تفاوتهای دیرینه قبیله‌ای کم رنگ تر
شد. تعداد کثیری از ترکمن‌ها به زندگی در شهرها پرداختند. "عشق آبا"
پایتخت جمهوری ترکمنستان به مرکز ملی اقتصادی و فرهنگی تمامی
خلق ترکمن مبدل گشت. و در کنار آن دوستی خلق ترکمن با سوسیالیسم
خلقهای شوروی مستحکم تر گشت.

ملت سوسیالیستی ترکمن، بهترین صفات قدیمی مردم ترکمن،

چون صداقت، شجاعت، عزت نفس، آزادیگی و احترام به بزرگان را در خود جمع نموده، آنها را با صفات جدیدی که در نتیجه کار تربیتی حزب کمونیست رشد و تکامل یافته بود (یعنی نگرش سوسیالیستی به کار، انترناسیونالیسم پرولتری، مین پرستی شوروی) تلفیق نمود.

امروزه نیز خلق زحمتکش ترکمن تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و دوشادوش تمامی زحمتکشان کشور در جهت ساختمان کمونیسم - عالی ترین قله تکامل بشری - گام برمی دارد.

پروژه شکل گیری ملت ترکمن در ایران

مراد ما از ترکمن صحرا آن سرزمین یکپارچه ایست که در آن ترکمن ها با زبان، فرهنگ و خصوصیات اخلاقی و اقتصادی مشترک زندگی می کنند. این منطقه از شمال به اتحاد جماهیر شوروی، از شرق به ارتفاعات بنجور در جنوب به کوه های البرز، از جنوب غربی تا محدوده روستاهای فارس نشین حوالی گرگان و از غرب بدریای خزر محدود میشود.

همزمان با جنبش مشروطه تا واسط حکومت رضا خان، زمینه ها و عناصر لازم برای شکل گیری "ملت" ترکمن در جنوب فراهم میشود. در این دوره تجارت رونق پیدا می کند. گسترش تجارت عوامل جدیدی را در نظام اجتماعی سنتی حاکم بر صحرا به همراه می آورد. واردات عمدتاً از شهرهای مختلف قفقاز (به خصوص باکو) و اشترخان صورت می گیرد و شامل کالاهای چون چرخ خیاطی - سماور - کبریت، قند و مصالح ساختمانی و کالاهای متفرقه دیگر است به همراه توسعه تجارت، شهرها نیز در ترکمن صحرا اهمیت بیشتری پیدا می کنند. البته تنها محلی که واقعاً جنبه شهری بخود می گیرد بندر گمشدیه است که در این سالها تبدیل به بندر مهمی میشود. بنظر می آید که گنبد در این دوره بیشتر قصبه ای بوده و تجارتخانه های آن بسیار محدود بوده اند و اهمیت آن بیشتر مربوط به کاروانسراهای آن بوده است. علیرغم این رونق نسبی تجارت در مقایسه با مناطقی چون آذربایجان که در مسیر راه های تجاری عمده قرار داشتند، بندر گمشدیه بسیار عقب افتاده بوده است و بورژوازی تجاری نوپای این بندر قدرت اقتصادی چندان (مثل آذربایجان) نداشته است.

در این دوره صنایع در منطقه، بسیار عقب افتاده و ابتدائی بوده است در تمام این دوره (مثل امروز) صنایع دستی از محدود ه اقتصاد خانوادگی و محیط خانه خارج نمی شود. بافت قالی - قالیچه

نمد و غیره در محدوده منازل روستا نشینان و عمدتاً به وسیله زنان صورت می گرفته است. برخلاف مناطقی که شهرها رشد بیشتری داشته اند (تبریز، مشهد و غیره) هیچگاه این صنایع دستی به کارگاه های شهری منتقل نشده در مجموع اقشار اجتماعی مثل پیشه وران، کسبه و زحمتکشان شهری نیروهای بسیار محدود اجتماعی را تشکیل میداده اند.

این مسئله بخصوص در آستانه جنبش مشروطه، ترکمن صحرا را از آن نیروهای اجتماعی که توانائی به دوش کشیدن بار یک جنبش بوزروا-دمکراتیک را داشته باشند، محروم می کند.

عقب افتادگی اقتصاد شهری، جدا از نظام بسیار عقب افتاده ای که بر روستا های ترکمن صحرا حاکم بود، قابل بیان نیست. در روستا ها رشته تولید عمده دامداری بود و در کنار آن کشاورزی نیز اهمیت داشت. نظام حاکم بر روستا نوعی نظام پدرسالاری و شبانی بوده است. مراتع در مالکیت روستا های مجاور آن بوده و در مجموع مالکیت خصوصی بر زمین وجود نداشته یا زمین کشاورزی در مالکیت یک واحد اجتماعی بوده و کشت و زرع هم بطور دسته جمعی صورت می گرفته و یا در آنجائی هم که کشت و زرع فردی صورت می گرفته هنوز مالکیت فردی تثبیت نشده بوده است. وجود زمین های وسیع قابل کشت و ضعف نیروهای تولیدی (تکنیکهای عقب افتاده کشاورزی و کمبود نیروی انسانی نسبت به زمین های قابل کشت) امکان میداد که روستائی ترکمن صحرا به اندازه توان خود کشت کند و عملاً در استفاده از زمین محدودیتی به وجود نیامد، در نتیجه تا حدودی لزوم مالکیت فردی زمین و مشخص کردن حدود مرزهای آن به وجود نیامد. خانها و ریش سفیدان از امتیازات خاصی نسبت به دیگران برخوردار نبودند و هنوز اموال عمومی را بخود اختصاص نداده بودند.

شکافی که رشد تجارت بتدریج در نظام حاکم بر ترکمن صحرا بوجود می آورد با زتاب خود رانه تنها در گسترش شهرها و در رشد مصرف بلکه بطور طبیعی در شیوه های زندگی سنتی ترکمن ها نیز نشان میداد، بعد از قرن ها ترکمن هایی که در آلاچیق زندگی می کردند به خانه های

چوبی و خانه هایی که از مصالح ساخت روسیه و با طرح های روسی ساخته می شد رو آورند. در کمش دپه تجارت و مسافرینی که به باکو و آشتراخان

رفت و آمد داشتند برای اولین بار لباس های سنتی را کنار گذاشتند و کت و شلوار پوشیدند. اولین نسل ترکمن هایی که به تحصیلات غیر سنتی پرداختند از ساکنین کمش دپه بودند. اینها بدرجات مختلف فرهنگ و افکار سیاسی و اجتماعی را به منطقه منتقل میکردند.

سالهای اول حکومت رضا خان با تغییرات محسوس ولی نه چندان مهمی در جوانب مختلف زندگی مردم ترکمن همراه بود. کنترل بیشتر مرزها، پیداشدن سروکله ژاندارم ها و مأمورین دولتی ادارات رضاخانی و غیره از علائم این تغییرات بود و به محض آنکه رضاخان از مشغولیات مهمتری که در سایر نقاط ایران داشت فارغ شد و به ماشین اداری نظامی خود سروصورتی داد، متوجه ترکمن صحرا شد.

برنامه‌هایی که دستگاه‌های اداری و نظامی دولت رضاخان از
اوسط حکومت وی آغاز کردند آن سیر تکاملی را که جامعه ترکمن
در ارتباط با رشد تجارت در بندر کمش‌دپه و بورژوازی تجاری نو
پای ترکمن می‌توانست داشته باشد متوقف کرد و آنرا در مسیری خاص
انداخت که امروز شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی مردم ترکمن ادامه
منطقی آن مسیر است و در نتیجه، تمام جلوه‌های ستم‌لی که امروز
بر ملت ترکمن وارد می‌شود منشاء خود را در سیاست‌هایی دارد که دولت
رضاخانی در آن سالها آغاز کرد.
در مجموع روابط سرمایه‌داری که خصلت‌های بوروکراتیک داشت
در شهرها رشد یافت و قشری از غیر ترکمن‌ها (عمدتاً فارس) که وابسته
به ادارات دولتی بودند ساکن منطقه شدند.



ازانتشارات
کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن